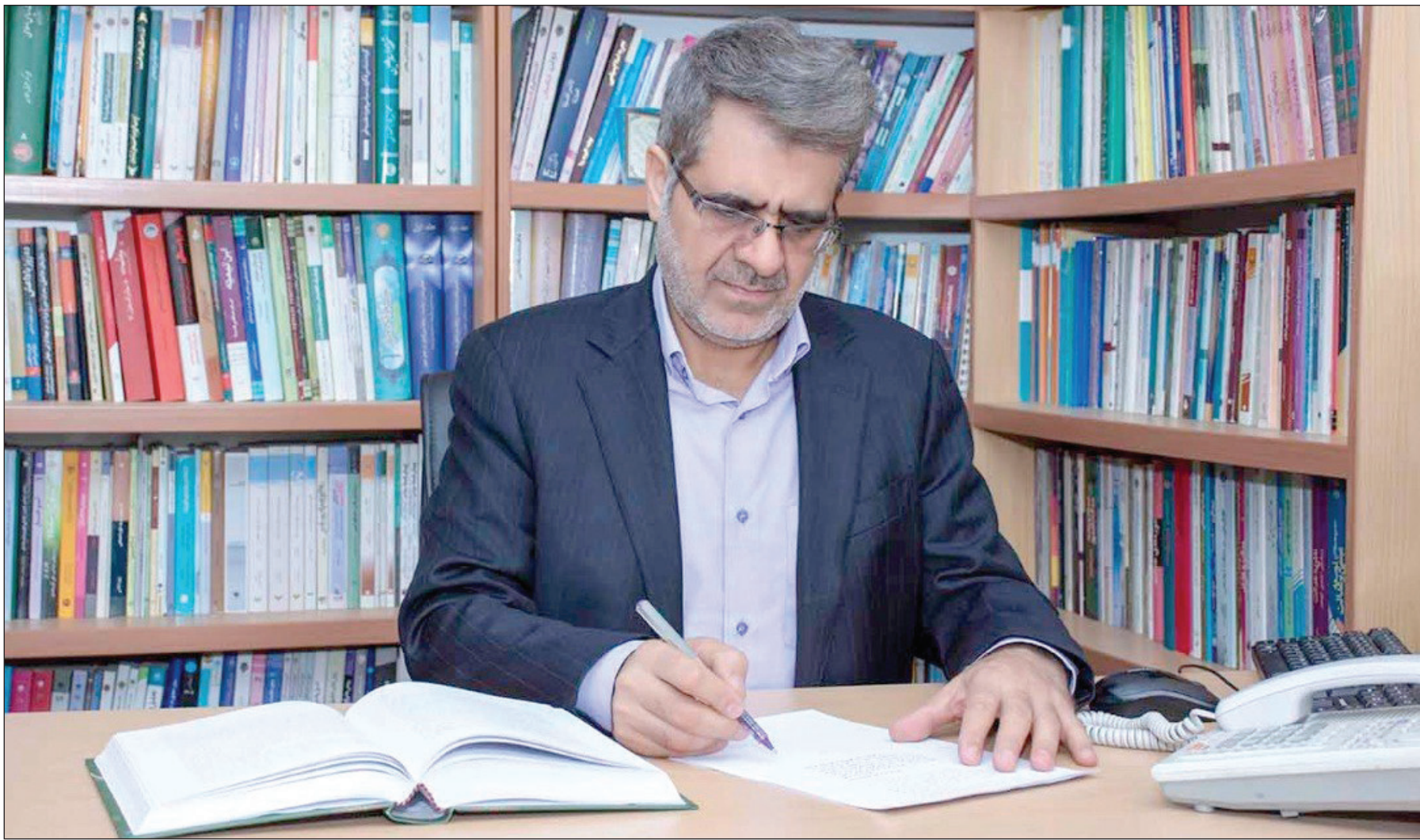


الزامات و آفات تغییر در برنامه صلح: بخش نخست

## گذار ناگزیر از صلح سرد به صلح گرم



اینکه به تدریج در درازمدت، بحران‌ها و ناآرامی کل نظام سیاسی و اداری را به طور مضاعف و تصاعدی تشدید خواهد کرد و در نهایت امنیت را با عمق و گستره بیشتری به خطر خواهد انداخت و صلح سرد را تشدید و تعمیق خواهد کرد. صلح سرد، لرزان است. صلح سرد آخرین مرزهای بقای هر حکومت و جامعه و به شدت آسیب‌پذیر است. به همین دلیل هر جامعه و حکومتی باید با جدیت و عقلانیت تلاش کند به هر قیمتی و به سرعت از مرحله صلح سرد بگذرد و با ورود به صلح گرم یک حاشیه امنیتی برای بقا و تداوم خودش ایجاد کند. صلح سرد برای جوامعی که دولت‌سازی در آنها صورت نگرفته یا دهه‌های متضادی با جنگ داخلی و آشوب روبه‌رو بوده‌اند به عنوان دوزخ گذار به صلح گرم مطلوب است، اما برای جوامعی که قبلاً در آنها دولت‌سازی صورت گرفته و جامعه تا حدی به مدنیت گذر کرده و نهادها و روبه‌های مستقر و شرایط نسبتاً خوب برای پیشرفت داشته، بسیار خطرناک و نگران‌کننده است و نوعی پسرقت محسوب می‌شود.

حکومت و حاکمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در چنین جامعه‌ای باید تلاش کنند به سرعت و به هر قیمتی از صلح سرد عبور کنند و به صلح گرم برسند.

در پایان این بحث اگر بخواهیم یک تعریف مشخص از صلح سرد ارائه دهیم

«صلح سرد عبارت از شرایطی از تعاملات سیاسی و اجتماعی است که در آن:

۱. نگرش حاکم در فرهنگ عمومی این است که افراد با پافشاری و اعمال نفوذ و پیشی گرفتن از دیگران به هر قیمت، می‌توانند به منافع و خواسته‌های خود برسند،
۲. در بخش‌هایی از جامعه معیارهای مشخصی که مبتنی بر تخصص و شایستگی برای دستیابی افراد به قدرت سیاسی، ثروت، منابع و فرصت‌ها تعریف شده، توسط عده‌ای به گونه‌ای مصادره می‌شود که امکان نادیده گرفتن آنها، یا توجیه آنها، یا جعل شبه‌معیارهای شایستگی وجود دارد،
۳. بخشی از ساختارهای رسمی و غیررسمی در صدد تحمیل باورها و اعتقادات خود بر سایر بخش‌ها یا افراد جامعه بر می‌آیند،
۴. ساختارهای اداری در بخش‌های مختلف نظام سیاسی، بنا به اراده افراد امکان ایجاد مانع برای یکدیگر را دارند،
۵. در سطح کلان، حکومت با چالش‌ها و بحران‌هایی روبه‌رو است که بقای خودش به دغدغه و هدف اصلی برایش تبدیل می‌شود و
۶. لاجرم تکیه اصلی بر نیروهای نظامی و امنیتی است.»

### ۲. شاخص‌ها و پیامدهای داخلی صلح سرد

اما در خصوص شاخص‌ها و پیامدهای صلح سرد، در بحث قبلی در باره صلح سرد، برخی شاخص‌ها و پیامدهای آن کامیاب بیان شد، با این حال به اجمال مهم‌ترین شاخص‌ها و پیامدهای صلح سرد در عرصه داخلی عبارتند از: نخست؛ نگاه بدبینانه، خصمانه و حذفی احزاب و جناح‌های سیاسی به یکدیگر، دوم؛ رواج اتهام، تهمت و تخریب و استیصال بخش‌هایی از جامعه از آن، سوم؛ غیریت‌سازی، و تنگ‌تر کردن دایره خودی، چهارم؛ گسترش عوام‌گرایی، سسطحی‌نگری و شعارگرایی، پنجم؛ به حاشیه رفتن متخصصان و دانشمندان، خردمندان و بزرگان جامعه و به میدان آمدن مدرک‌داران غیرمتخصص و کم‌سواد و افراد کم‌تجربه، ششم؛ ظهور تدریجی نوعی تندروی و افراطی‌گری، هفتم؛ امنیتی شدن فضا و هشتم؛ بدگمانی.

### ۳. شاخص‌ها و پیامدهای بین‌المللی صلح سرد

مهم‌ترین شاخص‌ها و پیامدهای صلح سرد در عرصه بین‌المللی عبارتند از: «نخست؛ شکل‌گیری نوعی بدبینی فراگیر بین‌المللی نسبت به کشور دارای صلح سرد، دوم؛ تلاش گسترده رسانه‌های بین‌المللی برای تخریب وجهه آن کشور و مشوه جلوه دادن چهره آن، سوم؛ تلاش گروه‌های مخالف و اپوزیسیون خارج‌نشین برای تخریب وجهه کشور و خدشه‌دار کردن حیثیت آن با حمایت برخی دولت‌ها، رسیانه‌ها و موسسات خارجی، چهارم؛ گسترش عوام‌گرایی، سسطحی‌نگری و تصویرهای نارادست در نظام بین‌الملل از کشور دارای صلح سرد و ناتوانی آن کشور در رفع سوءتفاهمات و اصلاح ذهنیت‌های غلط، پنجم؛ مهم و تاثیرگذار نبودن آن کشور در تعاملات و معادلات و معاملات بین‌المللی، ششم؛ در نتیجه موارد قبلی، نگاه بدبینانه آن کشور به جهان و نظام بین‌الملل، هفتم؛ داشتن تصویری از غرب دوره استعمار و تصمیم‌گیری براساس آن و هشتم؛ مشکوک و مظنون دیدن بیش از حد روابط خارجی و تعاملات بین‌المللی.»

ضروری می‌دانسته، باعث به وجود آمدن آن دشمنان و مخالفان شده است، سوم اینکه دشمنان بالقوه و رقیبانی از قبل وجود داشته‌اند که رفتارها، مواضع و سیاست‌های حکومت آنها را بالفعل کرده و طرفدار را به بی‌تفاوتی، رقیب را به مخالف، و مخالف را به دشمن تبدیل کرده است. در صلح سرد چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی، بیشتر دغدغه و توان و انرژی و منابع کشور در جهت منازعات با این و آن صرف می‌شود. به همین دلیل توان و انرژی زیادی برای پیشرفت و رشد و تعالی باقی نمی‌ماند. انرژی و توان و منابع انسانی و منابع طبیعی هر جامعه و هر کشوری محدود است، وقت حاکمان و مدیران نیز بسیار محدود است و فقط می‌توانند آن را روی موارد خاص و اندکی متمرکز کنند. طبیعی است که در شرایط صلح سرد که توان و انرژی و منابع و وقت در مسیر منازعه صرف می‌شود برنامه‌ها و اهداف مهم دیگر مغفول می‌مانند. در چنین شرایطی، ممکن است در برخی موارد و حوزه‌ها پیشرفت‌های برجسته موردی اتفاق بیفتد اما این، با پیشرفت همه‌جانبه و توسعه پایدار تفاوت دارد و اساساً مهم‌ترین نوع توسعه و پیشرفت، توسعه انسانی و اجتماعی همه‌جانبه است که معمولاً در صلح سرد یا اتفاق نمی‌افتد یا در سطح پایین و جزیره‌ای اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی ممکن است سعی نشود برای پر کردن خلأها یا توجیه رفتارها یا ایجاد رضایت، برنامه‌های بلندپروازانه یا حتی مطلوب برای آینده تدوین و آینده‌ای ایده‌آل و درخشان ترسیم شود ولی این به معنی محقق شدن آنها نخواهد بود، چون طبق قواعد «علی و معلولی» اجتماعی، در شرایط صلح سرد امکان تحقق آنها وجود ندارد. هم رشد و پیشرفت همگام با جهان، و هم آینده درخشان هر ملت و جامعه‌ای، تابع شرایط «علی و معلولی» خود هستند نه به اراده افراد و گروه‌ها و دولت‌ها. سنت الهی در نظام خلقت و نظام علی و معلولی حاکم بر جوامع بشری و نظام‌های سیاسی، همانند «حسن و قبح ذاتی» در تمام جهان کامیاب یکی است. به‌عنوان مثال منفکران قبل از اسلام

بحث می‌کردند که جنگ و خشونت و ظلم موجب ویرانی جوامع و گسیختگی امور می‌شود و صلح، آرامش و پیشرفت و سازندگی به دنبال دارد. در فرمایشات ام‌ام‌علی (ع) نیز به‌طور مکرر و به نحای مختلف همین نکته به صراحت آمده است. امروز نیز همین منطبق و ایده در قالب نظریه‌های متعدد در حوزه علوم سیاسی و علوم اجتماعی و رشته‌های مدیریت بحث می‌شود. رشد و پیشرفت‌ها یا بدبختی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها در چارچوب همین سنت‌ها و قواعد و قوانین کلی ایجاد می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آنها صلح یا منازعه است. بنابراین در شرایط صلح سرد، پیشرفت و توسعه متناسب با شرایط جهانی، و رضایت عمومی قابل‌توجهی در داخل حاصل نمی‌شود، مهم‌ترین دستاورد صلح سرد - اگر موفق شود- حفظ بقای حکومت و جامعه است. مهم‌ترین دغدغه حکومت‌ها در شرایط صلح سرد پس از حفظ خودشان، مدیریت امور روزمره مردم و برآوردن نیازهای جاری و اولیه آنهاست. اگر نظام سیاسی و اداری کارآمد و پویا باشد این امور روزمره و جاری به خوبی تدبیر می‌شوند و اگر نیاشود همین‌ها هم با اختلال و مساله و مشکل مواجه خواهند بود. ضمن اینکه در شرایط صلح سرد، اساساً نظام اداری پویا و کارآمد نمی‌تواند شکل بگیرد و اگر از قبل نظام پویا و کارآمدی هم وجود داشته، با بروز صلح سرد به ضعف و ناکارآمدی می‌گراید. در شرایط صلح سرد حکومت‌ها و ساختارهای اداری و نهادها قادر به حل مساله‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... نیستند به همین دلیل از آنها تغافل می‌کنند. مساله‌ها حل نشده باقی می‌مانند و به نحای مختلف در طول زمان خود را بازتولید و بازبانی می‌کنند و با انباشته شدن، مساله‌ها به بحران تبدیل می‌شوند. وقتی بحران بالقوه شکل گرفت، ظهور بحران دلیل نمی‌خواهد بلکه علت می‌خواهد چون دلایل آن ریشه‌های چند دهه‌ای آنها در گذشته است، علت یعنی جرقه‌ای که بحران را آشکار یا بالفعل کند و این جرقه هر چیز خوب یا بد یا مثبت و منفی می‌تواند باشد. در نتیجه وظیفه و کارویژه اصلی حکومت در شرایط صلح سرد، مدیریت بحران‌ها و ساختارهای اداری و نهادها قادر به حل مساله‌های سیاسی، برخی ملی، برخی منطقه‌ای و برخی بین‌المللی هستند.

در شرایط صلح سرد با این همه بحران لاجرم و ضرورتاً نظامیان و نیروهای امنیتی اهمیتی بیش از حد پیدا می‌کنند و وارد عرصه‌های مختلف می‌شوند یا به‌طور مستقیم در مدیریت بحران‌ها دخالت می‌کنند، این امر همانند مسکن، ممکن است اوضاع را بهتر کند و بحران را موقتاً بخواباند ولی حل نمی‌کند، اما مهم‌تر

دوی اینها باید به‌شدت از ورود به موضوعات و مجادلات و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای بپرهیزند و فقط دغدغه اقتدار و امنیت و تمامیت ارضی کشور را داشته باشند.

### ۳. شاخص‌ها و پیامدهای بین‌المللی صلح گرم

با توجه به شرایط امروز جهان، وجود صلح گرم در هر جامعه‌ای، نمودهای بین‌المللی بارزی نیز دارد. مهم‌ترین شاخص‌های صلح گرم در حوزه بین‌المللی عبارتند از: نخست ایجاد روابط دوستانه و همکاری با نظام بین‌الملل و با هر کشوری که همکاری با آن می‌تواند کشور را در جهت رسیدن به اهداف پیشرفت‌طلبانه و تعالی‌خواهانه آن کمک کرده و منافع ملی کشور را به بهترین نحو و در بیشترین حد تأمین کند. دوم درک نظام بین‌الملل و معادلات و قواعد حاکم بر آن به‌عنوان یک واقعیت، فارغ از هرگونه قضاوت ارزشی. نظام بین‌الملل، ساختار و ویژگی‌های خاص خود را دارد که باید فهمیده شود؛ با تمام خوبی‌ها و بدی‌ها، نقاط مثبت و منفی و قواعد و فرآیندهای عادلانه و ناعادلانه‌اش. قبل از هرگونه تصمیم و کنش، درک همین وضعیت موجود، خودش موضوعیت دارد و مرحله مهمی است. سوم درک نظام‌مندی نظام بین‌الملل و پویا و فعال عمل کردن نه منفعل بودن. برای داشتن صلح گرم باید درک کرد که جهان به یک سیستم هوشمند تبدیل شده است و به آسانی توان فشار بر برخی از اجزای خود یا تغییر یا حذف آن را دارد، به همین دلیل در این سیستم باید پویا و فعال و تأثیرگذار عمل کرد نه منفعل و ضعیف. حتی باید از بخش‌های مختلف این سیستم در جهت اهداف و منافع ملی خود بهره گرفت. گام اول برای پویا و فعال عمل کردن، شناخت این سیستم است و قدم دوم اقدام در قالب قواعد حاکم بر آن حتی برای نقد و تغییر و قدم سوم تعامل با آن؛ این هر سه گام مبتنی بر صلح گرم است.

### ۴. صلح سرد؛ چیستی و شاخص‌ها

#### ۱. تعریف و ابعاد صلح سرد

صلح سرد وضعیتی است که جامعه دارای بسترها و زمینه‌های پنهان منازعه و اختلاف در ساختارها، قوانین، و فرآیندها بوده است که نتیجه آن در قالب بی‌ثباتی، ناراضیاتی، و تنش مزمز درعرصه‌های مختلف به‌خصوص اقتصاد و اشتغال، سیاست، فرهنگ، آموزش و... ظهور کرده است. صلح سرد سطح پایینی از صلح برای حفظ بقای جامعه است. صلح سرد به معنی وجود امنیت و نبود جنگ و خشونت و ناچار بودن جامعه به قبول همین حد است و آن را دستاورد و هدف می‌بیند. مساله اصلی در صلح سرد بقاقت و مهم‌ترین دغدغه حکومت و فعالان اجتماعی در صلح سرد، نگه داشتن جامعه از افتادن در ورطه خشونت و ناامنی در دو بعد داخلی و بین‌المللی است. در صلح سرد بقا مساله اصلی است حکومت و جامعه نمی‌تواند به درازمدت فکر کند یا برنامه‌های عمیق و طولانی مدت برای توسعه و پیشرفت و تعالی داشته باشد. در گستره تاریخی و با یک نگاه تمدنی، صلح سرد دوره ریاضت تمدنی است... ظهور کرده است. صلح سرد، صلح سرد، صلح سرد، معمولاً آثار بزرگ و ماندگار خلق نمی‌شود، انسان‌های بزرگ و الگواز نظر سرد، ادبی، هنری، تخصصی، اجتماعی و حتی سیاسی پدید نمی‌آیند، اختراعات و اکتشافات شاهکار صورت نمی‌گیرد، درعرصه‌های هنر و معماری؛ فیلم، موسیقی، بناها و نمادها بی‌نظیر و شگفت‌آور تمدنی خلق نمی‌شود. کشور و جامعه‌ای با صلح سرد، حضور فعال و تأثیرگذار بین‌المللی ندارد چون توان و ظرفیت رقابت بین‌المللی ندارد. در صلح سرد حکومت و جامعه در فکر بقای خود و تأمین نیازهای اولیه است و برای این‌ها بقا یا هزینه‌های زیادی بپردازد و بحران‌های متعددی را مدیریت کند، به همین دلیل بخش عمده منابع مالی و انسانی و انرژی و دغدغه‌ها و امکانات جامعه برای بقا و مدیریت منازعات و کشمکش‌ها صرف می‌شود.

در صلح سرد، کشور و حکومت، چه در بُعد داخلی و چه در بُعد بین‌المللی، دشمنان بسیاری دارد که از سه حالت خارج نیست: نخست اینکه آنها به هر دلیلی از قبل وجود داشته‌اند یا ایجاد شده‌اند ولی حکومت نتوانسته یا نخواسته با تلاش از هر راهی این دشمنی را از بین ببرد یا کاهش دهد. دوم اینکه حکومت با رفتارها و مواضع و سیاست‌هایی که آنها را درست یا موجه یا

#### صلح انواع و سطوح مختلفی

دارد که می‌توان روی یک

طیف آنها را بررسی کرد. یکی

از تقسیم‌بندی‌های صلح که

دغدغه و هدف این نوشتار است تقسیم صلح به دو نوع «صلح گرم» و «صلح سرد» و تبیین ابعاد و زوایای مختلف است. با توجه به درهم‌تنیدگی نظام جهانی و روابط و معادلات حاکم بر آن، برخی موضوعات از جمله صلح را باید هم در مقیاس داخلی و هم در ارتباط آن با مقیاس بین‌المللی بررسی و تحلیل کرد. در این بحث ابتدا به تبیین و تعریف صلح گرم و بیان شاخص‌ها و پیامدهای داخلی و بین‌المللی آن پرداخته‌ایم. سپس در بحث مفصل‌تری، تعریف و زوایای مختلف، و شاخص‌ها و پیامدهای داخلی و بین‌المللی صلح سرد تبیین شده است. بحث بعدی که تا حدی رویکرد تجویزی دارد به الزامات گذار از صلح سرد به صلح گرم در دو حوزه داخلی و بین‌المللی می‌پردازد. آخرین بخش مقاله که تا حدی رویکرد آسیب‌شناسانه دارد موانع و آفات گذار از صلح سرد به صلح گرم را در دو حوزه داخلی و بین‌المللی تحلیل می‌کند.

### ۹. صلح گرم؛ چیستی و شاخص‌ها

#### ۱. تعریف و ابعاد صلح گرم

صلح گرم شرایطی است که جامعه از نظر ساختاری، فرهنگ سیاسی و فرهنگی عمومی از برخی سطوح اولیه گذر کرده و به سطحی از مدنیت و ثبات رسیده است که می‌تواند به‌طور واقع‌گرایانه، به اهداف بلند و بزرگی از توسعه، پیشرفت و تعالی بیندیشد و در آن مسیر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کند و به پیش برود. در صورت وجود صلح گرم در هر جامعه‌ای، اولاً نهادها و بخش‌های مختلف در داخل ساختار نظام سیاسی با یکدیگر همکاری و تعامل بالایی دارند. ثانیاً نهادها و بخش‌های مختلف نظام سیاسی با نهادها و بخش‌های غیردولتی و سمن‌های داخلی، همکاری و تعامل مطلوبی دارند. ثالثاً نظام سیاسی و حکومت با بازیگران بین‌المللی اعم از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های خصوصی بین‌المللی همکاری فعال و مؤثر دارند، و رابعاً نهادها و غیردولتی و سمن‌ها و شرکت‌های خصوصی به آسانی با بازیگران بین‌المللی تعامل و همکاری می‌کنند. روشن است که تحقق چهار شرط فوق به پیش‌زمینه‌ها و نگرش‌ها و شرایط ویژه‌ای نیاز دارد که به تبع آن ساختارهای متناسب نیز ایجاد می‌شود. شرایطی که حکومت و جامعه از مراحل اولیه بقا و تثبیت گذر کرده و زیرساخت‌های اولیه نگرشی، فکری، معرفتی، اداری و سازمانی برای پیشرفت و پویایی در آن ایجاد شده است و مسأله و دغدغه اصلی اش حفظ امنیت جامعه و حکومت، یا تأمین مایحتاج اولیه زندگی مردم نیست، چون امنیت و بقایش را تضمین شده می‌بیند و هیچ تهدیدی برای اصل حکومت و جامعه وجود ندارد. همچنین نیازهای اولیه آن جامعه تأمین شده و مسأله‌های روزمره مردم حل شده و توسط سازمان‌ها فرآیندهای تعریف شده درحال انجام است به‌گونه‌ای که دغدغه حاکمیت‌نیاها و مسأله‌های روزمره جامعه نیست و در نتیجه نگاه حکومت و مردم و نهادها و سمن‌ها و فعالان اجتماعی به افق‌های بالاست، همچنین آنها درگیر مشکلات و مسائل روزمره با منازعه و اختلاف با یکدیگر نیستند و به توسعه و پیشرفت و رشد و تعالی خود و جامعه می‌اندیشند و در آن مسیر قدم برمی‌دارند. در وضعیت صلح گرم، افراد و نخبگان و سازمان‌های جامعه حضور فعال بین‌المللی خواهند داشت و به عرصه‌های رقابت جهانی وارد می‌شوند. هر جامعه‌ای برای پیودن مسیر پیشرفت و توسعه و سعادت و رفاه، حتماً به صلح گرم نیاز دارد. صلح گرم در دو حوزه داخلی و بین‌المللی قابل تحقق است و در همین دو حوزه نیز دارای شاخص‌ها، الزامات و آفات ویژه خود است.

در صلح گرم، حتی الامکان زمینه‌ها و بسترهای؛ منازعه، اختلاف، زیاده‌خواهی، برتری‌طلبی، بی‌عدالتی، بارز، تصمیم‌گیری غلط، و... در ساختارها و قوانین و فرآیندها وجود ندارد. صلح گرم به معنی وجود فرهنگ، نگرش، ساختارها، قوانین و فرآیندهایی در نظام سیاسی و اداری است که موجب می‌شود متخصص‌ترین و شایسته‌ترین افراد در مصادر تصمیم‌گیری قرار گیرند و بتوانند بهترین تصمیم‌ها را در جهت منافع ملی و عمومی مردم و جامعه بگیرند و امکان زیاده‌خواهی، تضییع حقوق، و ناراضیاتی اساسی وجود نداشته باشد. در پایان این بحث اگر بخواهیم یک تعریف مشخص از صلح گرم ارائه دهیم «صلح گرم عبارت است از شرایطی در ساختارهای رسمی و تعاملات سیاسی اجتماعی که در آن: ۱. نگرش حاکم در فرهنگ عمومی این است که منافع و خواسته‌های افراد، فقط با همیاری و ادای حقوق یکدیگر و رعایت قواعد تأمین می‌شود و قوانین و ساختارها اجازه تضییع حقوق دیگران را نمی‌دهد، ۲. در تمام بخش‌های جامعه مسیری‌های مشخص و متقنی مبتنی بر تخصص و شایستگی برای دستیابی افراد به قدرت سیاسی، ثروت، منابع و فرصت‌ها تعریف شده است، ۳. هیچ بخشی از ساختارهای رسمی و غیررسمی، در صدد تحمیل باورها و اعتقادات خود بر سایر بخش‌ها یا افراد جامعه نیست، ۴. ساختارهای اداری در بخش‌های مختلف نظام سیاسی نه تنها در راستای یک هدف همکاری می‌کنند بلکه امکان ایجاد مانع برای یکدیگر را ندارند و، ۵. در سطح کلان، حکومت تثبیت شده و نگران بقای خود نیست.»

### ۲. شاخص‌ها و پیامدهای داخلی صلح گرم

شاید بتوان در دوی صلح گرم و پیامدهای صلح گرم را به‌نوعی یکی دانست. یعنی همان شاخص‌هایی که نشان می‌دهد در جامعه صلح گرم وجود دارد همان پیامدهای و نتایج وجود صلح گرم نیز هستند. مهم‌ترین شاخص‌ها و پیامدهای صلح گرم در حوزه داخلی عبارتند از: نخست؛ در پرهیز بخش‌های مختلف حاکمیت و جناح‌ها و گروه‌های سیاسی از تخطئه و تضعیف و حذف یکدیگر و اقدام به همکاری در جهت اهداف ملی و پایه‌ای جامعه. طبیعی است که هر حزب و گروهی به دنبال موفقیت خودش و غلبه بر رقیب باشد اما نه به هر قیمتی، بلکه با رعایت قواعد بازی و در چارچوب اصول و قواعد روشن و از پیش توافق شده با همه بازیگران، دوم؛ پایبندی و اصرار همه بازیگران سیاسی بر برخی اصول به مثابه خط قرمز در همه حال، مثل پایبندی به: اخلاق، منافع ملی، شایسته‌سالاری، تخصص‌گرایی و حجت بودن نظر متخصصان و مواردی از این قبیل که کم‌رنگ شدن و به حاشیه رفتن آنها به همه و کل کشور آسیب می‌زند. سوم اصل بودن گفت‌وگو برای حل مشکلات و مسائل بین‌بخش‌های مختلف داخل حاکمیت از یک سو و حاکمیت با سمن‌ها و مردم و مخالفان و دشمنان داخلی از سوی دیگر، چهارم استقلال و بی‌طرفی قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی. در جامعه‌ای با صلح گرم، قوه قضائیه فقط دغدغه تحقق عدالت و نیروهای نظامی و انتظامی دغدغه امنیت عمومی را دارند. هر